

دست خون آلود همسایه در خونریزی بهسود

دردا که در دیار ما ، درد یار نیست
آنرا که درد یار است ، در دیار نیست

باز هم دست خون آلود همسایه از آستین یک مشت خود فروخته برون شد و اینبار نه از تهران و قم و مشهد ، بلکه از بهسود و دایمرداد و کجاب در داخل کشور ما . آخذ های کج روش و کج اندیش جمهوری اسلامی ایران که با اعدام بیش از پنجاه مهاجر بخت برگشته افغان در ایران، از اعتراضات سرتاسری افغان ها در داخل افغانستان و خارج از آن به وحشت افتاده بودند و به هر سو چنگ و دندان نشان میدادند و گاهی تظاهرات مردم در افغانستان را به " جند الله " نسبت میدادند و گاهی هم رمضان بشر دوست را اخطار داده و تحدید میکردند، به فکر شیطانی دیگری اندر شدند و شعله های جنگ و نفاق و تفرقه را در بهسود و گرد و نواح آن برافروختند و خود در غندی خیر به تماشا نشستند.

از جانب دیگر آخذ های مزور و بد طینت ایرانی بوسیله عمال افغانستانی (نه افغان)، خود به این آتشی که افروخته بودند ، آنقدر دامن زدند که فریب بود ترو خشک را در منطقه بسوزاند. این کمترین ، باری در یکی از نبشته های خویش ، کوتاه تذکری داده بودم که واقعات اخیر در بهسود، سری در تهران و قم دارد و اکنون دیده میشود که بخطا نرفته بودم. یکی از سایت های انترنتی که سری در آبخور همسایه دارد، چنان به این آتش افروخته شده اربابان ایرانی شان دامن زدند و چنان بر این آتش بطرول ریختند و به تفرقه اندازی پرداختند که آخذ ها در قم و تهران انگشت به دهن گرفتند. مردم شریف افغانستان یک مثل بسیار بسیار با مسمی دارند که: " از یک دست صدا بر نمی آید". و چه بجا گفته اند . واقعاً هم هر قدر یک دست تکان داده شود ، صدائی از آن بر نمی خیزد، مگر زمانی که یک دست دیگر را نیز به کمک بگیریم و هر دو دست را بر هم بکوبیم، آنگاه صدای بلند میشود. چگونه امکان دارد که یک گروپ افراد ، بدون هیچ دلیل و برهانی ، با تفنگ و راکت و ماشیندار، بجان هموطنان خویش حمله ور گردند ، در حالیکه آن بینوایان اصلاً مسلح نبوده و جنگی با کس نداشته اند. عقل سلیم اینرا نمی پذیرد. من نمی گویم که در این جنگ تحمیل شده از خارج ، کدام طرف مقصر است و کدام طرف قصوری ندارد، بلکه این وظیفه حکومت کابل بود تا منشه و سرخ قضایا را موشگافی کرده و دلایل هردو جانب قضیه را بر رسی نموده و یک کمیته مشورتی از حقوقدانان و واردين در قضیه را تشکیل میداد و در خاتمه با گوش فرا دادن به مطالبات و بررسی اسناد و شواهد زنده از هر دو جانب قضیه ، به یک نتیجه منطقی و قابل قبول برای هردو جانب میرسید و در اخیر با توافق هردو جانب ، یک فیصله جامع و عملی را روی دست گرفته و بعد از رسیدن به یک نتیجه منطقی و قناعت بخش برای هردو جانب ، فرمان صادر میکرد و به قضیه پایان داده می شد، نه اینکه معاون دوم ریاست جمهوری را مامور رسیده گی به قضیه نموده و توقع داشته باشد که جنگ به یک نتیجه مطلوب رسیده و قضیه برای همیشه خاتمه یافته تلقی گردد. فرمان یک جانبه بوده و میانجی که معاون دوم ریاست جمهوری باشد، به یک جهت قضیه تعلق داشت. دوستی از بسیار صفای دل خود میگفت که چرا جناب رئیس جمهور ، داکتر رمضان بشر دوست را که یک شخصیت ملی است، به بهسود نفرستاد که هردو جانب قضیه به وی احترام دارند. اما همه خوب میدانیم که جناب رئیس جمهور به این پرسش دوست ما ، پاسخی ندارد.

برگردیم به اینکه دست خون آلود همسایه در بحران بهسود دخیل است و این هیچ اگر و اما و مگر ای ندارد. همین سایت انترنتی که در بالا ذکر خیر آن رفت، چنان بالای یک جمعیت و یک قوم تاخت و تاز را راه انداخته است و چنان چپ و راست و صبح شام یکطرف قضیه را به اصطلاح عامیانه ما ، تلک و ترازو میکند که تو گوئی آنها از سیاره دیگری آمده باشند. همین سایت سراپا متعفن و تفرقه انداز اعلامیه را منتشر کرده که از جانب " دانشجویان افغانستانی در ایران " ، البته نه (افغان)، در " واکنش به جنایات کوچی ها " صادر شده است . پرسیده میشود که این " دانشجویان افغانستانی " در کجا تشریف داشتند، زمانی که سنگ و چوب افغانستان به فریاد مبدل گشته و بر ضد جنایات وحشیانه آخذ های ایرانی که بیشتر از پنجاه نفر مهاجر بخت برگشته افغان را در ایران به دار زدند، دست به تظاهرات زدند؟ چرا این " دانشجویان افغانستانی در ایران " ، در آن هنگام هیچ عکس العملی از خود نشان ندادند و هیچ اعلامیه صادر نکردند و از برادران مهاجر شان به دفاع بر نخواستند؟

آیا اگر آخذ های ایرانی ، فرزندان افغانستان رادر داخل ایران، به دار بکشند، سبب خشم " دانشجویان افغانستانی " ، نمی گردد؟

از این پرسش ها فراوان اند که باید از اطلاعیه نویسان پرسیده شود، مگر مفادی در قبال نداشته و هرگز هم پاسخ قناعت بخشی نخواهند یافت، چه همه خوب میدانیم که مهاجرین افغان در ایران هرگز اجازه تظاهرات خیابانی و اعلامیه صادر کردن را ندارند و چماق بدستان رژیم آخذی با نهایت وحشت و قساوت با آنها رفتار میکنند و با هزار و یک بهانه و ترفند ، یا آنها را روانه زندان ها نموده و به جوبه دار میفرستند و یا در بهترین حالت ، به گفته خود شان رد مرز میکنند. پس چه شد که " دانشجویان افغانستانی در ایران " ، حق چنین اعتراضات را دریافتند و اجازه صدور بیانیه را یافتند؟ پاسخ ساده است. جمهوری اسلامی ایران و آخذ های مزور آن رژیم تازیانه و دار ، خود کوزه و خود کوزه گر و خود کوز خر و کوزه فروش اند. در داخل افغانستان، گماشتگان " افغانستانی " خود را مامور می سازند تا تفرقه ایجاد کنند، به رئیس جمهور اشاره میکنند که فرمان صادر کند ، به معاون رئیس جمهور فرمان میدهند تا به منطقه رفته و چرند بگوید و آتش تفرقه را شعله ورتتر سازد و به مستخدمین انترنتی خود دستور میدهند تا این آتش شعله ور را هرچه بیشتر دامن بزنند و به پادوان " افغانستانی " خود فرمان میدهند که اعلامیه صادر کنند.....، و بدین گونه با یک تیر میخواستند دو فاخته شکار کنند. هم توجه مردم افغانستان و جامعه جهانی را از اعدام های وحشیانه مهاجرین افغان در ایران ، به جای دیگر و قضیه دیگری معطوف دارند و خود با خیال راحت به جنایات وحشیانه شان دوام داده و فرزندان افغان را همه روزه بالای دار بفرستند و هم آتش تفرقه را در داخل کشور شعله ور ساخته و خود آب را گل لود ساخته ماهی مطلوب خویش را صید کنند.

اگر نه چنان است که ما میدانیم ، پس " دانشجویان افغانستانی در ایران " کی ها هستند و تا حال کجا بوده و به کدام کار مهمی مشغول بودند که هرگز در هیچ قضیه مهم و حیاتی افغانستان، صدای از آنها بیرون نشد و اعلامیه ای انتشار ندادند. اگر واقعاً چنین افراد اعلامیه نویس وجود خارجی دارند، پس در این سالهای متمادی به کدام خواب خرگوشی فرو رفته بودند که حالا بیدار شده و تخم تفرقه می پاشند؟ به گمان اغلب که این " دانشجویان افغانستانی در ایران " ، اصلاً وجود خارجی ندارند، که در آنصورت دو گمان قرین به حقیقت می نماید. یکی اینکه این اعلامیه نویسان از جمله همان مزدوران انترنتی آخذ ها هستند که نظر به دستور اربابان ایرانی شان دست به چنین کاری میزنند و دیگر اینکه آخذک های ایرانی به " دانشجویان بیرو خط امام " دستور میدهند که از نام افغانها چنین اعلامیه مبتدل و نفاق افگانه را منتشر سازند.

در هر حال امید است به قضیه بهسود و مشکل بین هموطنان هزاره و کوچی ما که هردو نور چشم مردم افغانستان اند و هردو گل های یک بوستان اند، با درایت و دید وسیعی و همه جانبه که قابل قبول هر دو جانب باشد، برای همیشه پایان داده شود و مسببین آن از هر جانبی که باشند ، به چنگ قانون سپرده شوند. اما باز هم ما را عجب آید که این حکومت نا کارآمد، مصدر کار خیری شده بتواند. آنچه مهم و حیاتی است ، این است که نگذاریم تحت هیچ نام و نشانی و تحت هیچ شرایطی ، بیگانگان فتنه ، طماع و توطئه گر ، در سرزمین ما تفرقه ایجاد کرده و برادر را علیه برادر بشورانند و جوی های از خون هموطنان ما جاری ساخته و به ریش ما بختند. باید هوشیار بود و توطئه های پیشرمانه بیگانگان را در هر شکل و شمایل آن افشا ساخت و جلو یک مشت خود فروخته بی آبرو را که به ساز بیگانگان ، چپ و راست میرقصند و آب بر آسیاب دشمنان تاریخی ما میریزند، گرفت.

یار زنده و صحبت باقی